

با نام و یاد خدا

کتاب

علوم و فنون ادبی

کلاس یازدهم انسانی

تهیه شده توسط وبسایت [بتافایل](#)



درس ۱: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

قرن هفتم

سال گذشته با تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های اولیه هجری تا قرن ششم آشنا شدیم و دریافتیم که برخی از عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه‌های تغییر سبک را در متون زبان فارسی پدید آورد و خواندیم که سبک‌های «بینابین» و «آذربایجانی» از «سبک خراسانی» فاصله گرفتند و کم‌کم «سبک عراقی» پدید آمد.

سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۳۰۰ سال، سبک غالب متون ادب فارسی بود. مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ ه.ق.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند و به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب‌های عمده‌ای رساندند. خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد و بسیاری از مدارس، که مهد علم و فرهنگ بودند، از بین رفتند و بزرگانی چون نجم الدین گبری و فریدالدین عطار نیشابوری در یورش ویرانگر مغول، کشته شدند. کمال الدین اسماعیل، مداح جلال الدین خوارزمشاه که خود در سال ۶۳۵ ه.ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد، درباره قتل عام سال ۶۳۳ ه.ق. مغولان در اصفهان می‌گوید:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید

بر حال تباه مردم بد گرید

دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود

امروز یکی نیست که بر صد گرید

با حمله ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم وحشیانه تیمور و حکومت ظالمانه این دو، نه تنها بناها و آبادانی‌ها، بلکه بنیان فرهنگ و اخلاق نیز تباه و ویران گردید و دوستداران فرهنگ و اخلاق که سرخورده و مأیوس شده بودند، اغلب منزوی شدند و به تصوّف پناه بردند تا به آرامش برسند و برای تسکین خود به ادبیاتی روی آوردند که بر عواطف انسانی، ترویج روحیه تسامح و تساهل، خدمت به خلق، آزادی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت.

در اواخر دوره مغول، بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی، المستعصم بالله، برچیده شد و با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی از رواج افتاد و توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود، رونق بیشتری گرفت.

دلیل نام‌گذاری سبک این دوره به «عراقی» این است که بعد از حمله مغول کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم منتقل شد (اولین نشانه‌های تغییر سبک از زمان سلجوقیان آغاز شده، اما خراسان هنوز به‌طور کامل ویران نشده بود) و شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره غالباً از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک کنونی و...) بودند.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره، مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید؛ چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند و دیگر از دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود؛ اما در کنار این عوامل مخرب و منفی، در این دوره عوامل مثبتی نیز وجود داشت که رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت و در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد و زمینه‌هایی برای تغییر سبک از **خراسانی** به **عراقی** ایجاد شد. در این زمان قالب‌های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد.

شعر این عصر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد و اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند. در نتیجه قصیده که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود، کمرنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت؛ البته قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.

نثر در این دوره بیشتر به دو جریان گرایش پیدا کرد: یکی: «ساده‌نویسی» در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد و دیگر: «پیچیده‌نویسی»، با محتوای عمدتاً تاریخ حاکمان وقت که در آثاری همچون تاریخ وضا و تاریخ جهانگشای جوینی دیده می‌شود.

معروف‌ترین شاعران و نویسندگان این دوره:

مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی

از شاخص‌ترین شاعران عارف است، که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه‌ای پدید آورد. او در **مثنوی معنوی** و **دیوان شمس**، بسیاری از معارف بشری و مسایل عرفانی را بیان کرده است. از میان آثار منثور مولانا، **فیه ما فیه** و **مجالس سبعه** را مولانا گفته و شاگردان نوشته‌اند و **مکاتیب**، مجموعه نامه‌های مولانا به قلم خود اوست. اثر اخیر سبک نثر وی را بیشتر و بهتر نمودار می‌سازد.

سعدی

فرمانروای ملک سخن، سی‌وپنج سال گرد جهان گشت، تجربه اندوخت و از هر خرمنی خوشه‌ای چید و **گلستان** را به نثر مسجع و **بوستان** را در قالب مثنوی پدید آورد؛ دو اثر ارزشمندی که به ما درس اخلاق و حکمت را می‌آموزد. استاد سخن نه تنها در ادبیات تعلیمی سخن‌گوی ضمیر خودآگاه ایرانی است، در سرودن غزل‌های عاشقانه نیز سرآمد شاعران و نویسندگان فارسی زبان است. وی در بیشتر قالب‌های ادبی طبع‌آزمایی کرده و شاهکارهای ماندگاری در ادب فارسی به یادگار گذاشته است.

فخرالدین عراقی

از دیگر شاعران نام‌آور این دوره و صاحب غزل‌های عرفانی زیبا است. مثنوی عشاق‌نامه او مشهور است او در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است. همچنین در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

نجم‌الدین رازی (معروف به نجم دایه)

از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته این دوره است. او کتاب **مرصادالعباد من‌المبدأ الی‌المعاد** را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت. نثر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است. علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می‌کند. این اثر که نثری شیوا، آراسته و دل‌انگیز دارد، در بین متون عارفانه از مرتبه‌ای والا بر خوردار است.

عظاملک جوینی

از نثرنویسان این دوره است. خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود. وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد، که موجب

تألیف کتاب تاریخ جهانگشا شد. این کتاب در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است. نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان به شمار می‌رود. وی وزیر مقتدر غازان خان و اولجایتو بود. مهم‌ترین کتاب او جامع‌التواریخ نام دارد که به نثری عالمانه و پخته نوشته شده است. اقدام مهم فرهنگی او تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است.

شمس قیس رازی

از نویسندگان زبردست این دوره است و اثر معروفش، **المعجم فی معاییر اشعار العجم**، از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود که نثر او در مقدمه مصنوع و در اصل کتاب، ساده و عالمانه است.

قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول و بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذهب‌های مختلف عقاید خود را ابراز کنند. قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر، بسیاری به این زبان سخن می‌گفتند، ضمن این که عراق عجم و مهم‌تر از آن شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می‌رفت.

از بین رفتن دربارهای ادب دوست ایرانی‌تبار، از رونق افتادن قصیده سرایی را در پی داشت و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص، مانند خواجو و حافظ، به سستی گرایید.

خواجوی کرمانی

از غزل‌پردازان برجسته این دوره است؛ شاعری که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده است.

خواجو چند مثنوی به پیروی از پنج گنج نظامی سروده که نشان دهنده استادی او در شاعری است. شعر او در مجموع، کمال یافته و پخته است.

ابن‌یمین

شاعر عصر سربداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده‌است. وی در شعر خود قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می‌دهد:

مرد آزاده در میان گروه
گر چه خوش‌خو و عاقل و دانا است،
محترم آن‌گهی تواند بود
که از ایشان به مالش استغناست
وان که محتاج خلق شد، خوار است
گر چه در علم، بوعلی سیناست

حافظ

از شاعران سرآمد این قرن است. او با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید. لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است. در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می‌نماید و شعرش به قول خود او «همه بیت‌الغزل معرفت» است:

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است
آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش
سلمان ساوجی

از دیگر شاعران این قرن است که در غزل توجه خاصی به سعدی و مولوی داشته و دارای قصایدی نیز در سبک عراقی است. مثنوی **جمشید و خورشید** او به شیوه داستان‌های نظامی سروده شده است.

عبید زاکانی

شاعر خوش‌ذوق و آگاهی است که نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که ناملایمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی‌تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.

او در منظومهٔ **موش و گربه** ناهنجاری‌های اجتماعی را به‌شیوهٔ طنز و تمثیل بیان کرده است. این شوخ‌طبع آگاه نه تنها در شعر، که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و **رسالهٔ دلگشا، اخلاق‌الاشراف و صدپند** از آن جمله‌اند.

حمدالله مستوفی

از مؤرخان مشهور ایران و نویسندهٔ کتاب **تاریخ گزیده** است. این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ ه.ق. در بر می‌گیرد.

قرن نهم

بعد از غارت‌ها و ویرانگری‌های مغولان، ایران دستخوش حملهٔ بنیان برانداز دیگری شد و بر اثر آن ابنیهٔ فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید. این حادثه به وسیلهٔ تیمور گورکانی صورت گرفت و آنچه را که پس از حملهٔ مغول سالم یا نیمه سالم مانده بود، مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت.

تیموریان تقریباً از نیمهٔ دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آنها ادامه داشت. البته بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم‌وبیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرهای چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت و ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند جامی و دولت‌شاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند؛ هر چند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود. بایسنقر میرزا پسر او نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قرآن کریم و شاهنامهٔ فردوسی را به خط‌خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.

از شاعران و نویسندگان معروف این دوره افراد زیر را می‌توان نام برد:

جامی

معروف‌ترین شاعر این قرن، کتاب **بهارستان** را به تقلید از گلستان سعدی نوشت و در کتاب **نفحات الانس** خود نیز شیوه تذکرة الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد. او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که **تحفة الاحرار** یکی از آنهاست:

گفت به مجنون صنمی در دمشق
کای شده مستغرق دریای عشق
عشق چه و مرتبۀ عشق چیست؟
عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یک‌رنگ و حقیقت‌شناس
گفت که ای محو امید و هراس
نیست به‌جز عشق در این پرده کس
اول و آخر همه عشق است و بس
شاه نعمت‌الله ولی

از دیگر شاعران قرن نهم است که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته و سرسلسله صوفیان نعمت‌اللهی به شمار می‌رود. دیوان شعرش مضامین عرفانی دارد.

دولتشاه سمرقندی

از نویسندگان این قرن است که **تذکرة دولتشاه** را به تشویق امیر علیشیر نوایی نوشته است. این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

خود ارزیابی (صفحه ۱۹ کتاب درسی)

۱-حمله مغول بر محتوای شعر و نثر قرن هفتم چه تأثیراتی گذاشت؟
با حمله مغول، بنیان فرهنگ و اخلاق تباه و ویران گردید. دستداران فرهنگ و اخلاق، سرخورده و مأیوس به تصوّف پناه بردند تا آرامش یابند. شعر عرفانی با تکیه بر عواطف انسانی و ترویج روحیه تسماح و تساهل،

خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد بی‌ثباتی دنیا، انسان نومید روزگار را تسکین بخشید و نثر به دو جریان ساده‌نویسی و پیچیده‌نویسی تاریخی گرایش پیدا کرد.

۲- دو جریان نثر قرن هفتم را از نظر ویژگی‌های زبانی بررسی کنید.

الف) جریان ساده‌نویسی در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد.

ب) جریان پیچیده‌نویسی تاریخی مثل تاریخ و صّاف و تاریخ جهانگشا

۳- شعر سبک عراقی را با شعر سبک خراسانی از نظر قالب مقایسه کنید.

خراسانی	عراقی
قالب عمده شعر قصیده قافیه و ردیف بسیار ساده استفاده از آرایه‌های ساده و طبیعی توصیفات ساده و حسی زبان شعر ساده	قالب عمده شعر غزل و مثنوی قافیه و ردیف دشوار توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی (مجاز - کنایه - تمثیل ...) توصیفات ذهنی و دشوار زبان شعر به دور از روشنی و سادگی

۴- فکر و اندیشه غالب بر آثار مولانا جلال الدین را بیان کنید.

مثنوی معنوی او مسائل مهم انسانی را به ظرافت و زیبایی بیان کرده و به شرح سختی‌های انسان در راه رسیدن به خدا می‌پردازد. وی در دیوان شمس با غزل‌های شورانگیز، جدایی انسان را از عالم معنا بسیار عمیق شرح داده است. مولانا همواره در یک هیجان بالای عرفانی قرار داشته است. زمانی که از شراب عشق ابدی سرمست می‌شود و در سماع قرار می‌گیرد، اشعارش را با آیات و کلمات عرفانی مزین می‌کند و از سوی دیگر به آثار عرفانی افرادی همچون سنایی و عطار نیز نظر دارد.

۵- چه عواملی سبک ادبیات فارسی را از خراسانی به عراقی تغییر داد؟ آنها را بررسی کنید.

عوامل سیاسی و اجتماعی مثل روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی و تغییر جغرافیایی مرکزیت ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم، زمینه‌های تغییر سبک را پدید آورد و دو جریان شعری «بینابین» و

«آذربایجانی» از سبک خراسانی فاصله گرفتند و کم‌کم جریان سبکی ادبیات به‌سویی گرایش یافت که آن را «سبک عراقی» نامیدند.

۶- کدام‌یک از ویژگی‌های فکری سبک عراقی موجب پیدایش عرفان در قرن هفتم شد؟
ترویج روحیهٔ تسامح و تساهل، خدمت به خلق، آزادی و اعتقاد بی‌ثباتی دنیا و اعتقاد به عشق الهی و قضا و قدر، منجر به پیدایش عرفان در قرن هفتم شد.

۷- جدول زیر را تکمیل کنید:

موضوع و محتوا	نوع نثر کتاب	نام نویسنده	
			گلستان
			مرصادالعباد
			تاریخ جهانگشا

درس ۲: پایه‌های آوایی

به شکل زیر نگاه کنید و نظمی را که در صدای حرکت قطار و پی هم آمدن واگن‌ها وجود دارد، به یاد بیاورید:



هنگامی که صدای پیوسته و یکنواخت حرکت قطار در ذهن مرور می‌شود، نظمی را در رفتار و صدای آن، درک می‌کنیم. با کمی درنگ و تأمل در پدیده‌ها و عناصر طبیعی، گونه‌ای نظم و سامان در رفتار آنها درک می‌شود؛ مثلاً پی هم آمدن شب و روز، گردش فصل‌ها، حرکت آهنگین عقربه‌های ساعت، حرکت پای دوچرخه‌سوار و بازگشت متوالی آن به نقطه نخست، موزون و موسیقایی است و نوعی تداوم و تکرار منظم را به چشم و گوش شنونده، می‌رسانند، که معمولاً، گوشنواز و دلنشین‌اند.

کلام منظوم یا شعر هم که آهنگین و موسیقایی است، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد؛ هماهنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام رویارویی با شعر، باید بکوشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم. در خواندن نیز با همان نظم موسیقایی، خوانش آن را پیش ببریم.

بیت‌های زیر را می‌خوانیم:

ای ساربان، آهسته ران، گآرام جانم می‌رود
وان دل که با خود داشتم، با دل ستانم می‌رود
من مانده‌ام مهجور از او، بیچاره و رنجور از او
گویی که نیشی دور، از او در استخوانم می‌رود
محمل بدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان
کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود

سعدی

اکنون همین شعر را بازخوانی می‌کنیم و به آهنگی که از خوانش آن، احساس می‌شود، گوش می‌سپاریم:

ای سا ر بان	آ هس تِ ران	کا را مِ جا	نَم می ر وَد
وان دِل کِ با	خُد دا شِ نَم	با دِل سِ تا	نَم می ر وَد

همان‌گونه که دیده و شنیده می‌شود، با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. پایه‌ها، به‌گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند؛ آنها مانند آجرهایی هستند که در ساخت بنای شعر، به کار می‌روند. وزن شعر در حقیقت حاصل چینش منظم این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

اکنون به نمونه‌های زیر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آنها، توجه کنید:

-۱

هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد
هرکه محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر نیارد

سعدی

هَرکِ چی زی	دو ست دا رَد	جا نِ دِل بَر	وِی گُ ما رَد
هَرکِ مِجِ را	بَشِ ثُ با شی	سَر ز خَل وَت	بَرَن یا رَد

-۲

ز کوی یار می‌آید، نسیم باد نروزی
از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل بر افروزی

حافظ

ز کوی یا	ر می آید	ن سی م با	د نو رو زی
آ زین با در	م دد خا هی	چ را غِ دل	ب ر ف رو زی

-۳

خدایا تو دانی که بر ما چه آمد
خدایا تو دانی که ما را چه می شد؟

مولوی

خُ دا یا	تُ دا نی	کِ بر ما	چِ آ مَد
خُ دا یا	تُ دا نی	کِ ما را	چِ می شُد

-۴

یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا
یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا

مولوی

یا ر مَ را	غا ر مَ را	عِش قِ چِ گَر	خا ر مَ را
یا ر تُ یی	غا ر تُ یی	خا چِ نِ گَهِ	دا ر مَ را

با خوانش درست ابیات و جداسازی پایه‌ها (ارکان)، در می‌یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ‌های پایان هر پایه، مرز پایه‌های آوایی را به ما نشان می‌دهند. پی هم قرار گرفتن پایه‌های آوایی و درنگ‌هایی که در پایان هر پایه می‌آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت‌ها پدید می‌آورد.

چگونگی تفکیک پایه‌ها و خوانش بیت‌ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می‌دهند؛ این نظم سبب درک پایه‌های آوایی و لذت بردن از موسیقی متن، می‌شود.

خود ارزیابی (صفحه ۲۳ تا ۲۵ کتاب درسی)

۱- با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه‌ی خود قرار دهید:

(الف)

ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو
بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

مولوی

ای خَش مُ نَا	دِی هَا یِ تُ	دَر بَا غِ شَا	دِی هَا یِ تُ
بَر جَا یِ نَان	شَا دِی خُ رَد	جَا نِی کِ شَد	مِه مَانِ تُ

(ب)

دلم را داغ عشقی بر جبین نه
زبانم را بیانی آتشین ده

وحشی بافقی

دِ لَم رَا دَا	غِ عِش قِی بَر	جِ بَیْنِ نِه
زَ بَا نَم رَا	بَ یَا نِی آ	تَ شِیْنِ دِه

(پ)

اسیرش نخواهد رهایی ز بند
شکارش نجوید خلاص از کمند

سعدی

آ سی رش	ن خا هد	ر ها یی	ز بند
ش کا رش	ن جو ید	خ لا صر	ک مند

(ت)

عنکبوتی را به حکمت دام داد
صدر عالم را درو آرام داد

عطار

عَن کَ بو تی	را بِ حِک مَت	دا م داد
صَد رِ عا لم	را دَ رو آ	را م داد

(ث)

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

حافظ

ب یا تا گل	بَ رَف شا نی	مُ می دَ ر سا	غَ رَن دا زیم
------------	--------------	---------------	---------------

ف لک را سق	ف بش کا فی	م طر حی نُو	دَرَن دا زیم
------------	------------	-------------	--------------

۲- با خوانش درست بیت‌ها، رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن، طرّاحی نموده، هر رکن را در خانه خود جای دهید.

(الف)

یا رب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده
چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده

صائب

یا رَبِّزِ عر	فان م را پی	مان ه ای سر	شار ده
چشم م بی نا	جان آگا	ه دِل بی	دار ده

(ب)

مکن پیش دیوار غیبت بسی
بود کز پسش گوش دارد کسی

سعدی

م کن پی	ش دی وا	ر غی بت	ب سی
ب ود کز	پ شش گو	ش دا رد	ک سی

(پ)

باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد
با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را

سعدی

با را نِ اش	کم می دَ ود	وز آب رَ ما	تش می جَ هد
با پخ تِ گان	گو این سُ خن	سو زش نَ با	شد خام را

(ت)

هر کسی را سیرتی بنهادهم

هر کسی را اصطلاحی داده‌ام

مولوی

هرک سی را	سی ر تی بن	ها دِ آم
هرک سی را	اص ط لا حی	دا دِ آم

(ث)

مرا گه گه به دردی یاد می‌کن

که دردت مرهم جان می‌نماید

فخرالدین عراقی

مَ را گه گه	بِ در دی یا	د می کن
کِ در دت مر	هَ م جان می	ن ما ید

۳- با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید و آن را در خانه‌های خالی بنویسید.

(الف)

من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست
کی طمع در گردش گیتیِ دون پرور کنم

حافظ

مَن کِ دا رَم	دَر گِ دا یی	از هـِ زا ران	نِ بِ دَسْت
کِی ط مَعَ دَر	ما لِ دِن یا	صا دِ قا نِی	وَر کُ نَم

(ب)

من امشب آمدمستم وام بگذارم
حسابت را کنار جام بگذارم

اخوان ثالث

مَ نِم شَب آ	صَ وَا بَت را	نَ ما یَش ها
بِ حَا فِظ گُو	کِ نا رِ جا	م بُگ ذَا رَم

۴- پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید. چرا که بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند. در کنار این عوامل مخرب و منفی در این دوره عوامل مثبتی وجود داشت که رشد زبان و ادبیات فارسی را موجب شد. با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت.

درس ۳: تشبیه

شاعران و نویسندگان به زبان، نگاه زیباشناسانه دارند. آنها معانی ذهنی خود را با استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی و عناصر علم بیان به اشکال گوناگون به دیگران منتقل می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کنند؛ برای مثال هنرمند ادیب بارش باران و طلوع خورشید را با چنین عباراتی بیان می‌کند:

سخن ادبی	سخن عادی
۱- ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست. ۲- مروارید باران از چشم ابر چکید. ۳- بهاران که شاباش ریزد سپهر / به دامن گلشن ز رگبارها	باران بارید
۱- گل خورشید شکفت. ۲- پادشاه مشرق چهره نمود. ۳- خسرو خاور علم بر کوه ساران زد.	خورشید طلوع کرد.

از نظر ادبی شیوه‌های گوناگونی برای آفرینش تخیل و بیان معنا وجود دارد که مهم‌ترین آنها چهار آرایه تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه هستند و آنها را در حوزه علم بیان بررسی می‌کنند.

اکنون این جمله را با هم می‌خوانیم:

دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرمای.

گلستان سعدی

در این نمونه سعدی با همانند کردن دانا و طبله عطار، آن دو را به هم تشبیه کرده است و ویژگی‌های خاموشی و هنرنمایی را در آنها مشترک می‌بیند و این شباهت را برای مخاطب محسوس‌تر و زیباتر بیان می‌کند. ادعای همانندی میان دو چیز را آرایه «تشبیه» می‌نامند. بهره‌گیری از تشبیه، سخن را خیال‌انگیز می‌کند.

در بیت زیر هم آرایه تشبیه را مشاهده می‌کنید:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا

ما چو مرغان حریص بی‌نوا

مولوی

هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آن چه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، وجه شباهتی است که شاعر و نویسنده به آن دست یافته است.

تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

۱- مشبّه:

پدیده‌ای است که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مثل «ایّام گل» در مصراع زیر:

ایّام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

حافظ

۲- مشبّه‌به:

پدیده‌ای است که مشبّه را به آن مانند می‌کنیم؛ مثل «گل» در مصراع زیر:

تو هم چون گل زخندیدن لب با هم نمی‌آید.

سعدی

۳- وجه‌شبه:

ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است که در مشبّه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است؛ مانند «کریم» در مصراع زیر:

گرت زدست برآید چو نخل باش، کریم.

گلستان سعدی

۴- ادات تشبیه:

واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. واژه‌های: چو، مثل، مانند، گویی، همچون، به‌سان، به‌کردار و... از این دسته‌اند، برای مثال «چون» و «وش» در بیت زیر ادات تشبیه‌اند.

این زبان چون سنگ و هم آهن وش است
و آن چه بجهد از زبان، چون آتش است

مولوی

چهار رکن تشبیه را در مثال‌های زیر مشخص می‌کنیم:

بلم آرام چون قویی سبک بار
به نرمی بر سر کارون همی رفت

فریدون توللی

بلم: مشبه

آرام: وجه شبه

چون: ادات تشبیه

قویی سبک‌بار: مشبه به

مصرع دوم: وجه شبه

شب در تمام پنجره‌های پریده رنگ
مانند یک تصوّر مشکوک
پیوسته در تراکم و طغیان بود.

فروغ فرخزاد

شب: مشبه

مانند: ادات تشبیه

تصور مشکوک: مشبه به

در تراکم و طغیان بود: وجه شبه

و او به شیوۀ باران پر از طراوت تکرار بود.

سهراب سپهری

او: مشبه

شیوه: ادات تشبیه

باران: مشبه به

از طراوت تکرار بود: وجه شبه

انواع تشبیه از نظر پایه ها (ارکان)

تشبیه را بر اساس این چهار پایه می توان به دو دسته تقسیم کرد: گسترده و فشرده.

الف) تشبیه گسترده

از میان رکن های تشبیه، ذکر مشبه و مشبه به ضروری است؛ اما وجه شبه و ادات تشبیه را می توان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، تشبیه گسترده می گویند؛ نمونه های زیر از این نوع هستند:

زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست
گر بیفروزش رقص شعله اش در هر کران پیداست
ور نه، خاموش است و خاموشی گناه ماست.

سیاوش کسرایی

در شعر بالا سه رکن تشبیه وجود دارد و ادات تشبیه حذف شده است.

مثال های دیگر:

نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو سبز می ایستد.

منوچهر آتشی

سینه باید گشاده چون دریا
تا کند نغمه ای چو دریا ساز

هوشنگ ابتهاج

در تشبیه‌های بالا هر چهار رکن وجود دارد.

(ب) تشبیه فشرده (بلیغ)

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه‌به دارد، تشبیه فشرده است. در عبارت:

ای مهتر، آفتاب چراغ آسمان است و تو چراغ زمینی، آفتاب چراغ دنیا است، تو چراغ دینی.

کشف‌الاسرار میبدی

حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه کرده است. به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

تشبیه فشرده گاه به صورت **اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)** و گاه به صورت **غیراضافی** به کار می‌رود (تشبیه‌های غیر اضافی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند)؛ برای مثال:

کیمیای سعادت (اضافی)

سعادت، کیمیا است. (غیراضافی)

در مثال‌های زیر:

(الف)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

حافظ

(ب)

آتش خشم اوّل در خداوند خشم افتد؛ پس آنگه زبانه به خصم رسد یا نرسد.

گلستان سعدی

وجود به مس، عشق به کیمیا و خشم به آتش در ترکیب‌هایی اضافی مانند شده‌اند.

(ج)

تو سرو جویباری، تو لاله بهاری

تو یار غمگساری، تو حور دلربایی

فرخی سیستانی

در این بیت نیز معشوق به سرو، لاله و حور تشبیه شده است.

چند نمونه دیگر از این نوع تشبیه در ادامه آمده است:

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟

اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

سعدی

نگارش دهد گلبن جویبار

در آیینۀ آب رخسارها

علامه طباطبایی

مادری دارم بهتر از برگ درخت / دوستانی بهتر از آب روان / و خدایی که در این نزدیکی است.

سهراب سپهری

تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی‌زر است و رونده بی‌معرفت مرغ بی‌پر

گلستان سعدی

خود ارزیابی (صفحه ۳۱ تا ۳۳ کتاب درسی)

۱- در ابیات زیر تشبیه‌های فشرده (بلیغ) و گسترده را بیابید و پایه‌های آن‌ها را مشخص نمایید:

(الف)

اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو ببالی
و گر چو ابر بگریم، تو همچو غنچه بخندی

خواجوی کرمانی

چو مرغ بنالم: تشبیه گسترده؛ م در بنالم: مشبه، مرغ: مشبه به، چو: ادات تشبیه، نالیدن: وجه شبه
تو همچو سرو ببالی: تشبیه گسترده؛ تو: مشبه، سرو: مشبه به؛ همچو: ادات تشبیه بالیدن: وجه شبه
چو ابر بگریم: تشبیه گسترده؛ م در بگریم: مشبه، ابر: مشبه به، چو: ادات تشبیه گریستن: وجه شبه
تو همچو غنچه بخندی: تشبیه گسترده؛ تو: مشبه، غنچه: مشبه به، همچو: ادات تشبیه، خندیدن: وجه شبه

من: مشبه	مرغ: مشبه به	نالیدن: وجه شبه	چو: ادات تشبیه	تشبیه گسترده
تو	سرو	بالیدن	همچو	تشبیه گسترده
من	ابر	گریستن	چو	تشبیه گسترده
تو	غنچه	خندیدن	همچو	تشبیه گسترده

(ب)

پیش کمان ابرویش لابه همی کنم؛ ولی
گوش کشیده است؛ از آن گوش به من نمی کند

حافظ

کمان ابرو: تشبیه فشرده؛ ابرو: مشبه، کمان: مشبه به

ابرو: مشبه	کمان: مشبه به	تشبیه فشرده
------------	---------------	-------------

(پ)

دل گرفتار بلای عشق توست
جان شهید کربلای عشق توست

وفایی

بلای عشق: تشبیه فشرده؛ عشق: مشبه، بلا: مشبه به

عشق: مشبه	بلا: مشبه به	تشبیه فشرده
عشق: مشبه	کربلا: مشبه به	تشبیه فشرده
جان: مشبه	شهید کربلا: مشبه به	تشبیه فشرده

۲- وجه شبه را در شعرهای زیر مشخص کنید:

(الف)

صدا چون بوی گل در جنبش آب
به آرامی به هر سو پخش می‌گشت

فریدون توللی

مصراع دوم وجه شبه: به آرامی پخش شدن / پخش شدن

(ب) نفس کز گرم‌گاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک.

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت،

نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

مهدی اخوان ثالث

تاریک، ایستادن وجه شبه: قرار گرفتن حجاب و مانعی در برابر چیزی / تاریکی / ایستادن

۳- دو پایه اصلی تشبیه را در اشعار زیر مشخص کنید:

الف) پشت هیچستان چتر خواهش باز است،
تا نسیم عطشی در بن برگی بدود،
زنگ باران به صدا می آید.

سهراب سپهری

زنگ باران: باران: مشبه، زنگ: مشبه به

خواهش: مشبه	چتر: مشبه به
باران: مشبه	زنگ: مشبه به
عطش: مشبه	نسیم: مشبه به

(ب)

هر چه به گرد خویشان می نگرم در این چمن
آینه ضمیر من جز تو نمی دهد نشان
هوشنگ ابتهاج

آینه ضمیر: ضمیر: مشبه، آینه: مشبه به

ضمیر: ضمیر: مشبه	آینه: مشبه به
------------------	---------------

۴- نوع تشبیه را در ابیات زیر مشخص کنید:

(الف)

اگر ای عشق پایان تو دور است

دلم غرق تمنّای عبور است

برای قد کشیدن در هوایت

دلم مثل صنوبرها صبور است

سلمان هراتی

الف	تشبیه گسترده	دلم مثل صنوبرها صبور است
-----	--------------	--------------------------

(ب)

زمین چو سینه سهراب زیر جوشن برگ

فرو نشسته در آن ناوک صنوبر وغان

علی موسوی گرمارودی

ب	تشبیه گسترده	زمین چو سینه سهراب
---	--------------	--------------------

(پ)

مانند پنبه دانه که در پنبه تعبیه است

اجرام کوه‌هاست نهان در میان برف

کمال الدّین اسماعیل

پ	تشبیه گسترده	اجرام کوه‌ها مانند پنبه دانه است
---	--------------	----------------------------------

در ضمن در همین تمرین ترکیب‌های: جوشن برگ / ناوک صنوبر / و ناوک غان هم تشبیه فشرده هستند.

۵- در اشعار زیر مشبّه و مشبّه به را مشخص کنید.

(الف)

پاسی از شب رفته بود و برف می‌بارید

چون پرافشان پری‌های هزار افسانه‌ای از یادها رفته

مهدی اخوان ثالث

برف: مشبه	پری‌های هزار افسانه‌ای: مشبه به
-----------	---------------------------------

(ب)

روز چو شمعی به شب، زود رو و سرفراز
شب چو چراغی به صبح، کاسته و نیم تاب

خاقانی

روز: مشبه	شمع: مشبه به
شب: مشبه	چراغ: مشبه به

۶- تشبیه‌های به کار رفته در بیت‌های زیر دارای کدام یک از پایه‌های تشبیه‌اند؟

(الف)

مرا، کز جام عشقت مست گشتم
وصال و هجر یک سان می‌نماید

فخرالدین عراقی

جام عشق: دو پایه: مشبه و مشبه به

(ب)

گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد
اوّل بلا به مرغ بلند آشیان رسد

سعدی

سنگ حادثه: دو پایه: مشبه و مشبه به